



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم همدان - 15 / تیر / 1383

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الأطيبين الأطهرين المعصومين سيما بقيّة الله في الأرضين.

خداوند متعال را شکرگزارم که این توفیق را ارزانی داشت تا بتوانم با مردم عزیز و شریف دارالمؤمنین و دارالمجاهدین همدان بار دیگر در شهر خودشان ملاقات کنم. قبل از هر سخنی لازم می دانم از شما برادران و خواهران عزیزتشکر کنم؛ چه مردم شهر همدان و چه مردم سایر شهرستانهای استان؛ نهاوند، ملایر، کبودرآهنگ، تویسرکان، اسدآباد، رزن و بهار، که یقیناً در میان جمعیت حاضر در این مجموعه و نیز در میان جمعیت متراکمی که در طول مسیر اظهار محبت کردند، برادران و خواهرانی از این شهرستانها حضور داشتند. جمعی از فضیلتی محترم هم از قم تشریف آورده اند که از همه ی شما عزیزان صمیمانه تشکر می کنم.

مایلم مطالب لازم را در مدت زمان هرچه کوتاه تر عرض کنم؛ چون در این جا زیر آفتاب، جمعیت متراکمی جمع شده است و بعضی، از ساعتها قبل در این جا حضور پیدا کرده اند.

من برای شهر همدان و برای این مجموعه ی استانی از دو جهت احترام و ارزش قائلم: اول، از جنبه ی ارزش تاریخی و گذشته ی بسیار پُرشکوه مدنی و علمی. در میان همه ی شهرهای عالم بندرت می توان شهری را پیدا کرد که با سابقه ی شهر همدان بر سر پا باشد. شهری که شما در آن زندگی می کنید، حداقل سه هزار و صد سال سابقه ی تاریخی دارد. شهرهای معروف قدیمی دنیا، حدود دو هزار و هفتصد سال و دوهزار و نهصد سال سابقه دارند. بخشی از این مدت طولانی سه هزار ساله در ابهام و تاریکی است. قبل از اسلام خبر زیادی از فرآورده های علمی و فکری این شهر و این منطقه در دست نیست؛ اما در دوران اسلامی، شهر شما مرکز شکوفایی تمدن اسلامی محسوب می شده است. گذشته ی علمی این شهر جزو نمونه های کم نظیر در میان شهرهای کشور ماست. از این شهر تعداد بی شماری دانشمند برخاسته اند - چه فقیه، چه فیلسوف، چه عارف، چه ادیب، چه ریاضیدان، چه اخترشناس، چه طبیب، چه هنرمند، چه شاعر، چه خطاط، چه سیاستمدار، چه مورخ - این تعداد متنوع از شخصیتها و چهره های علمی، کم نظیر است. نامهای معروفی که به نام همدان شناخته شده اند، کم نیستند؛ از قبیل عین القضات همدانی، بدیع الزمان همدانی، رشیدالدین فضل الله همدانی، باباطاهر عریان و شخصیتهای بسیار دیگر؛ که اگر کسی



بخواهد فهرست این نامها را بخواند، شاید يك ساعت به طول بینجامد.

جهت دوم، نقش آفرینی مردم همدان و شهر همدان در تاریخ معاصر ماست؛ چه در دوران نزدیک به انقلاب، و چه در دوران انقلاب. نام سیدجمال الدین اسدآبادی در همه ی دنیای اسلام و فراتر از آن، به عظمت برده می شود. سیدمحمد طباطبایی - یکی از دو رهبر مشروطه در تهران - همدانی است. در دوران انقلاب، شهدای نامداری از این خطه برخاسته اند؛ شهید مفتاح، شهید قدوسی، شهید حیدری، شهید مدنی - که ایشان اگرچه همدانی نبود، اما همدانی ها او را از خود می دانند و او هم خود را به يك معنا همدانی به حساب می آورد - شهدای غیرروحانی، جوانان عزیزی که نامهای بعضی از آنها در این میدان نصب شده است، و بسیاری دیگر که نامشان در دفتر کرام الکاتبین و در صحیفه ی حافظه ی ملت ایران ثبت است. همچنین شهدای لشکر انصارالحسین؛ شهید اسلامیان، شهید حاج بابایی، شهید شاه حسینی، شهید چیت سازان و شهدای بزرگ دیگر. علاوه ی بر اینها، شهر همدان و استان همدان در دوران دفاع مقدس، هشت سال نقش پشتیبانی کننده ی نزدیک جبهه ی دفاع را بر عهده داشت و چقدر آسیب دید. همین مجموعه ی ورزشی که امروز شما در آن گرد آمده اید، روز قدس از طرف دشمن بعثی موشکباران شد و عده یی در همین جا به شهادت رسیدند. در دوران دفاع مقدس، تقریباً سیصد حمله ی هوایی به شهر همدان شد؛ حدود دو هزار موشک و راکت و بمب به این شهر زدند و مردم همدان با جان و مالشان، با جوانهایشان، با غیرت دینی و حضور سیاسی شان، در مقابل تهاجم دشمن ایستادند. احترامی که بنده و امثال بنده برای همدان و مردم همدان قائل هستیم، به خاطر این ارزشهای والاست. و شما بدانید - و می دانید - که این ارزشها احترام مردم منصف همه جای دنیا را به خود جلب می کند. هر که بداند و آگاه باشد، برای چنین مردمی احترام قائل است.

مقدم در همه ی دیدارهای استانی، اجمالی از شناسنامه ی آن شهرستان را به یاد مردم عزیز آن خطه بیاورم تا احساس افتخار و هویت و شخصیت کنند. امروز یکی از برنامه های اصلی دشمن، جنگ روانی برای کوبیدن احساس هویت و شخصیت ملت عزیز ماست. مردم باید بدانند چه ارزشهای والایی آنها را در طول زمان در اوج قله ی افتخار قرار داده است، و شما می دانید؛ من هم اجمالی از آن را به یاد شما آوردم.

استان شما دارای ظرفیتهای طبیعی و انسانی است؛ منطقه ی کشاورزی ممتاز، منطقه ی گردشگری برجسته، دارای معادن بسیار مهم، مرکز مواصلاتی چندین استان و سر راه کربلای معلی و عتبات عالیات. سرزمین، ثروتمند و غنی و سرشار است؛ مردم استان هم - که سرمایه ی انسانی و باارزش تر از ظرفیتهای طبیعی هستند - مؤمن، فداکار، جوان و پُرنشاطند. این استان - آن طوری که من در آمارها مشاهده کردم - از لحاظ تعداد جوان و نسبت جوانی، در صدر فهرست استانهای کشور است؛ یعنی نسبت طبقه ی جوان در این استان از همه جای کشور بیشتر است. آنچه برای ملت عزیز ما و برای شما مردم استان همدان و برای مسؤولان و برای شخص بنده مهم است، این است که ما از این ظرفیت عظیم انسانی و از این ظرفیت بزرگ طبیعی برای آینده ی کشور، برای توسعه ی کشور و برای رفع



مشکلات امروز چشم انداز آینده ی کشور چگونه استفاده کنیم.

امید به بهبود اوضاع و اصلاح حقیقی در این کشور از گذشته بیشتر است. در يك سال گذشته سند چشم انداز بیست ساله ی کشور تنظیم شده است ؛ سندهای استانی هر استان جداگانه تنظیم شده است ؛ برنامه ی چهارم مورد توجه و دقت همه جانبه قرار گرفته است ؛ مجلس هفتم آمادگی خود را برای حرکت به سمت سازندگی کشور اعلام کرده است ؛ بنابراین امیدها برای رفع اشکالات، از گذشته بیشتر است. باید ببینیم راه رسیدن به این آینده چیست.

شما بخوبی می دانید که یکی از سیاستهای اساسی جنگ روانی دشمنان انقلاب اسلامی این است که مشکلات کشور را به نحوی به نظام اسلامی نسبت دهند. این، دشمنی آشکار آنها با ملت ایران و اسلام و نظام اسلامی است. در دوران حاکمیت بیست و پنج ساله ی نظام اسلامی، چندین برابر صد سال گذشته در این کشور کار شده است ؛ صد سالی که خاندانهای ننگین قاجار و پهلوی بر این مملکت حکمروایی مستبدانه داشتند و برای این ملت کاری نکردند و ظرفیتها را یا بر باد دادند و یا استفاده نشده باقی گذاشتند. آنچه ملت و کشور را به سمت يك آینده ی مناسب با شأن این کشور حرکت داده، انقلاب اسلامی و نظام اسلامی است. اما در عین حال در کشور مشکلات وجود دارد و کم هم نیست. در نظرخواهی یی که دوستان ما قبل از سفر من از مردم سرتاسر این استان کردند، در درجه ی اول درخواست اشتغال مطرح شده است. اشتغال، مهمترین درخواست مردم است. مبارزه ی با اعتیاد و مبارزه ی با فساد اداری، جزو درخواستهای مردم است ؛ اینها باید برآورده شود.

من اعتقاد راسخ دارم که آنچه در شأن ملت ایران است و چشم انداز آینده ی ما را تشکیل می دهد، يك چیز ممکن و در دسترس است ؛ به شرط این که ما به شرایط آن عمل کنیم. هم مسؤولان وظیفه دارند، هم مردم وظیفه دارند ؛ هم وظایف اختصاصی دارند، هم وظایف مشترك دارند. من در این زمینه سخنان زیادی دارم که ان شاءالله در طول چند روزی که در این استان خواهم بود، در دیدارهای مختلف با جوانان، با نخبگان، با روحانیون و با قشرهای مختلف کشور، بخشهای گوناگون نظرات خودم را عرض خواهم کرد.

آنچه در مجمع عمومی شما مردم عزیز همدان لازم است عرض کنم، به طور مجمل این است که ما می توانیم توسعه ی نمونه و مبتنی بر فرهنگ اسلامی و ملی خود را در این کشور به وجود بیاوریم ؛ این يك آرزوی خام و يك خیال واهی نیست. می توان ایران را به يك کشور پیشرفته تبدیل کرد ؛ یعنی همین مسیری را که انقلاب تا امروز پیموده است، با سرعت بیشتر و با جهتگیری بهتر و قوی تر ادامه داد ؛ اما این مشروط به شرط لازم آن است، که عبارت است از تلاش ملی و همه جانبه.



این تلاش همه جانبه و عمومی دارای سه ضلع اساسی است: یک ضلع عبارت است از همت و تلاش مسؤولان کشور؛ یک ضلع عبارت است از همکاری و شرکت مردم در بخشهایی که وظیفه‌ی اساسی آنهاست؛ و ضلع سوم عبارت است از ایجاد مناسبات صحیح اقتصادی و اجتماعی در کشور، که این، هم بر عهده‌ی مسؤولان و هم بر عهده‌ی مردم است. من توضیح مختصری درباره‌ی هر کدام از این موارد عرض می‌کنم.

در مورد این که مسؤولان باید همت بگمارند: همه‌ی همت و تلاش مسؤولان باید صرف سازندگی کشور شود. در درجه‌ی اول، آنچه برای این کار لازم است، هماهنگی و همدلی میان قوای سه گانه است؛ باید با هم همدل و همراه و همکار و مکمل یکدیگر باشند. این درست نقطه‌ی مقابل تلاش دشمنان کشور عزیز ما و نظام جمهوری اسلامی است که برای حاکمیت دوگانه تلاش کرده اند. الان چند سال است که در بلندگوهای بیگانه و رادیوها و تلویزیون‌هایی که با تدبیر و سیاست صهیونیست‌ها و امریکایی‌ها و دشمنان ملت ایران اداره می‌شود، روی حاکمیت دوگانه در این کشور تبلیغ می‌کنند؛ می‌گویند حاکمیت دوگانه هست و سعی می‌کنند حاکمیت دوگانه را به وجود بیاورند. مسؤولان باید در نقطه‌ی مقابل حرکت دشمن حرکت کنند و نگذارند. کاری نکنند که دشمن بتواند وانمود کند که در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی و در میان مسؤولان نظام، دودستگی و اختلاف و انشقاق ایجاد کرده است. اشتباهاتی در این مورد صورت گرفته است و کسانی حرفهایی زده اند و کارهایی کرده اند که به سود دشمن تمام شده است. این کارها را باید موقوف کنند. قوه‌ی مجریه، قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضاییه در محدوده‌ی وظایف خودشان با همدلی حرکت کنند و با یکدیگر هماهنگی داشته باشند. البته معنایش این نیست که قوه‌ی مقننه از قوه‌ی مجریه سؤال نکند، یا قوه‌ی قضاییه به خطای اشخاصی از قوای دیگر نپردازد؛ معنایش این است که هر کدام در محدوده‌ی وظایف خود صادقانه با قوای دیگر همکاری کنند؛ جهتگیری‌های خودشان را طوری تنظیم کنند که مکمل یکدیگر باشند؛ به اولویتهای کشور توجه کنند - در بخشهای مختلف کشور و در همین استان شما چیزهایی در اولویت قرار دارد؛ آنها را مقدم کنند؛ چیزهایی که ناظر به منافع عمومی و عدالت اجتماعی باشد - از طبقات ضعیف گره‌گشایی کنند و از اتلاف وقت و سرمایه پرهیز نمایند.

عده‌ی بی‌جنجال و بحث، مدتی را صرف این کردند که ثابت کنند توسعه‌ی سیاسی بر توسعه‌ی اقتصادی مقدم است. این اتلاف وقت ملت است که بحث کنیم آیا توسعه‌ی سیاسی مقدم است یا توسعه‌ی اقتصادی. آنچه لازم است، آنچه مقدم است و آنچه بر گردن همه هست، رفع مشکلات مردم و پیشرفت دادن کشور است. این که ما بحثهای سیاسی و جنجالهای روزمره را وارد زندگی کاری مسؤولان و مردم نکنیم، هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمی‌کند. حق مردم است که از مسؤولانشان کار و تلاش و ابتکار و اقدام بموقع و رفتار مسؤولانه بخواهند؛ و وظیفه‌ی مسؤولان است که پاسخگو باشند و آنچه را که وظیفه‌ی آنهاست، انجام دهند. این، ضلع اول است؛ اما کافی



نیست.

در کنار این، وظیفه ی بزرگی که بر عهده ی مردم است، مطرح می شود. وقتی این عزم و تلاش به نتیجه می رسد که ضلع دیگر هم باشد. فرهنگ عمومی مردم، باورهای مردم و سرمایه های معنوی و مادی مردم باید به صحنه آورده شود. آنچه بر عهده ی مردم است، این است که کار را ارزش بدانند؛ سرمایه گذاری را ارزش بدانند؛ دانشجو و دانش آموز درس خواندن را ارزش بداند؛ ایثار و مجاهدت را ارزش بدانیم؛ ترجیح مصالح عمومی بر مصالح فردی را ارزش بدانیم؛ وحدت و هماهنگی آحاد ملت را ارزش بدانیم؛ حضور در صحنه های سیاسی را ارزش بدانیم؛ اینها سرمایه های معنوی يك کشور و يك ملت است. يك ملت با این سرمایه هاست که پیروز می شود.

عزیزان من! جوانانی که دوران دفاع مقدس را یا درک نکرده اید یا بدرستی درک نکرده اید! دفاع مقدس با این سرمایه های معنوی به نتیجه رسید. همه ی دنیای استکبار پشت سر همین صدام حسینی که امروز چهره ی يك جنایتکار بین المللی را به خود گرفته است، جمع شدند، برای این که با نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران بجنگند و مبارزه کنند. ملت ایران به برکت همین سرمایه ها در این جنگ نابرابر پیروز شد. این ملت، ایمان و شجاعت و از خودگذشتگی و دین گرایی و غرور ملی خود را به صحنه آورد؛ همچنان که جوان و مال و سرمایه و امکانات خود را به صحنه آورد؛ مجموع اینها توانست این ملت را نجات دهد. اگر این ملت در دفاع مقدس پیروز نمی شد، ایران تا قرنها ممکن بود روی خوشبختی را نبیند.

دشمنان ما بیش از آن که به منابع طبیعی ما چشم طمع داشته باشند، به منابع انسانی - که منابع قدرت ما هستند - چشم طمع دارند. آنها می دانند اگر این سرمایه های اجتماعی از دست يك ملت گرفته شود، اگر يك ملت غیرت ملی و ایمان و وحدت و همبستگی خود را از دست بدهد، اگر نشاط کار و ابتکار را از دست بدهد، اگر حرکت علمی رو به پیشرفت خود را از دست بدهد، کاملاً در دسترس دشمنان قرار خواهد گرفت؛ می توانند راحت به او زور بگویند، می توانند بر او سلطه پیدا کنند، می توانند منابع طبیعی و مادی او را هم غارت کنند. آنچه سد مستحکمی در مقابل دشمنان قرار می دهد، همین سرمایه های معنوی است که باید مراقب باشیم دچار شبیخون نشود.

من متأسفانه کسان بسیاری را دیده ام که در صحنه ی سیاسی و عرصه ی فرهنگی ادعا دارند که برای ملت کار می کنند؛ اما از این سرمایه ها محافظت نمی کنند. شما دیدید که در بعضی از روزنامه های ما علیه مجاهدت، ایثار، فداکاری، شجاعت و ایمان قلم فرسایی کردند. اینها به نفع کیست؟ به نفع دشمن است؛ به نفع ملت ایران نیست.



ملت را از ایمانش تهیدست بکنند؛ مثل این است که زره را در میدان جنگ از تن او بیرون آورده باشند. اگر مردم یک کشور را از غرور ملی و احساس مناعت و ایستادگی و استقامت تهیدست کنند، آنها را در مقابل دشمن خلع سلاح کرده اند؛ اینها سلاح معنوی دشمن است. نباید کسانی جهاد و شهادت را تحقیر و باورهای دینی مردم را انکار کنند و مورد تشکیک قرار دهند. نباید دستاوردهای انقلاب را کوچک بشمرند و تحقیر کنند.

کسانی که قلم به دست دارند و وظیفه‌ی فرهنگی دارند، باید روزبه روز علم و تحصیل را ترویج کنند. ما شعار نهضت نوآوری علمی و جنبش نرم افزاری را مطرح کرده ایم؛ انتظار این بوده است که اهل علم، اهل دین، اهل قلم، اهل دانشگاه و اهل حوزه در این جهت حرکت کنند، و بسیاری حرکت کرده اند؛ اما می بینیم بعضی با این نیاز حقیقی - که حرکت علمی، نیاز حقیقی این کشور است - همراهی نکردند. اینها نشانه های خوبی از مجموعه هایی که این طورند، ارائه نمی دهد.

ما امروز احتیاج داریم مردم را با سرمایه های معنوی خود مجهز کنیم. البته رادیو و تلویزیون و سازمان تبلیغات و وزارت ارشاد و روحانیون و گویندگان و نویسندگان ما در این زمینه مسؤولیت دارند. باید این سرمایه های معنوی و اجتماعی را پشتوانه ی سرمایه های مادی و حفظ استقلال و پیشرفت کشور قرار دهیم. این هم ضلع دوم از مثلثی است که می تواند کشور را به پیشرفت و توسعه ی مطلوب برساند.

ضلع سوم این است که مناسبات اقتصادی و اجتماعی سلامت پیدا کند؛ این، هم بر عهده ی مسؤولان است - بر عهده ی دولت، قوه ی قضاییه و مجلس شورای اسلامی - و هم بر عهده ی آحاد مردم است. مناسبات اقتصادی و اجتماعی غلط یعنی چه؟ یعنی رواج قاچاق، رباخواری، مصرف گرایی افراطی و گرایش به تفاخر در استفاده از مصنوعات خارجی در مقابل نمونه های داخلی آن، که معنایش این است که کارگر ایرانی را به نفع کارگر خارجی بیکار می کند. باید افتخار به استفاده ی از مصنوعات داخلی در مردم و مسؤولان بیدار شود. در درجه ی اول خود مسؤولان و دستگاه های دولتی و قوای سه گانه، و در درجه ی بعد آحاد مردم به این نکته توجه کنند و اهمیت دهند.

وقتی مناسبات غلط اقتصادی در جامعه حاکم باشد، وقتی رانت خواری رواج داشته باشد، وقتی سوءاستفاده ی از قدرت برای به دست آوردن ثروتهای بادآورده رواج داشته باشد، کسی که تولید کننده و زحمتکش واقعی است، ناامید می شود. کشاورزی که زحمت می کشد، صنعتکاری که تولید می کند، سرمایه داری که سرمایه گذاری می کند، معدنکاری که عرق می ریزد، معلمی که در مدرسه درس می گوید، استادی که در دانشگاه تدریس می کند،



قاضی بی که وقت و اعصاب خود را به کار صحیح صرف می کند، وقتی ببینند راه برای مناسبات غلط اقتصادی در جامعه باز است و با آن برخورد نمی شود، مأیوس می شوند. این که ما گفتیم و تأکید کردیم که باید با مفساد اقتصادی و قاچاق مبارزه شود، به خاطر این است که این پدیده ها اساس پیشرفت کشور را دچار آسیبهای جدی می کنند.

شما ببینید ما تا دو سه سال پیش واردکننده ی گندم بودیم و دولت سالی حدود یک میلیارد دلار - و گاهی بیشتر - برای واردات گندم صرف می کرد؛ اما امروز با تفضل پروردگار و باران رحمت الهی و با زحمت کشاورزان و با برنامه ریزی مسؤولان مربوط در جهاد کشاورزی و غیره، ما نه فقط احتیاج نداریم گندم وارد کنیم، بلکه در آستانه ی این تحول قرار گرفته ایم که گندم صادر کنیم. این یک میلیارد دلار را چه کسانی برای این کشور تولید و صرفه جویی کردند؟ آنها باید تشویق شوند. کشاورز باید تشویق شود؛ برنامه ریز خوب باید تشویق شود؛ مسؤولی که با علاقه مندی یک مسأله ی اساسی را دنبال می کند، باید تشویق شود؛ ارزشها باید گرامی داشته شود؛ این، کشور را به پیش می برد.

آنچه من عرض می کنم، فقط این نیست که بخواهم زبانی مسؤولان را نصیحت کنم؛ به شما مردم عرض می کنم تا بدانید و بخواهید و مطالبه کنید. به مسؤولان و دست اندرکاران و کارگزاران حکومتی در قوای سه گانه و به خودم این را می گویم، برای این که خودمان را موظف بدانیم و عمل کنیم و پاسخگو باشیم.

گردآورندگان ثروتهای نامشروع، زیاده خواهان، زیاده خواران و مفسدان اقتصادی نباید عرصه را بر کسانی تنگ کنند که یا سرمایه گذاری می کنند، یا کار می کنند، یا زحمت می کشند، یا درس می خوانند، یا علم را گسترش می دهند و درآمدی بسیار کمتر از آنها دارند. نظام باید با مفساد اقتصادی و با جریان فساد اقتصادی مبارزه کند؛ این وظیفه ی مجلس و دولت و قوه ی قضاییه است.

ما ملتی هستیم دارای سابقه ی فرهنگی و تاریخی و دارای شجاعت؛ ما یک ملت ترسو نیستیم. ما در میدانهای سیاسی و نظامی نشان داده ایم که قدرت این را داریم که در مقابل دشمنان بایستیم؛ اینها ادعا نیست؛ تجربه شده و به صحنه ی عمل آمده است. ملت ما علاوه ی بر شجاعت و آمادگی اش، ملتی است با ایمان. من ان شاءالله در جمع جوانان خواهم گفت؛ جوانان ما به طور عام دین گرا هستند؛ این برای ما روشن و ثابت شده است. اکثر ملت ما جوانند؛ غیرجوانان هم که جای خود دارند.



ملت ما باایمان و به نظام اسلامی علاقه مند است. اجتماع انبوهی که در این جا جمع شده اند، اجتماع متراکمی که در خیابانها جمع شده اند، توجه و استقبالی که مردم نسبت به مسؤولانشان در اجتماعات مختلف سیاسی و در راه پیمایی ها نشان می دهند، برای چیست؟ اینها علاقه مندی به نظام اسلامی است. این مردم به شخصها و به علی خامنه ای ها ارادتی ندارند؛ به اسلام ارادت دارند. اگر به اشخاص هم اظهار محبتی می کنند، به خاطر این است که آنها را نوکر اسلام، خدمتگزار مردم و در جهت خدمت به این انقلاب و نظام می دانند؛ والا اگر همین اشخاص و امثال بنده يك قدم کج بگذارند و از راه مستقیم منحرف شوند، همین مردم از آنها روی برمی گردانند. این مردم عاشق اسلامند. ماهواره های دشمن، این اجتماعات پُرشور و این احساسات گرم و صمیمی مردم را خوب ضبط کنند؛ ستون پنجم دشمن هم در داخل کشور چشمهای کم سوی خود را باز کند و ببیند که این مردم چه می خواهند و چه می گویند. مردم به نظام اسلامی علاقه مندند.

ما می خواهیم کشورمان را بسازیم. این ملت اراده کرده است روی پای خود بایستد و به دست خود کشورش را اداره کند و به سمت قله های افتخاری که مناسب شأن اوست، با پای خود حرکت کند. این ملت نمی خواهد پشت سر قدرتهای بزرگ و با اشاره ی دست آنها حرکت کند.

مسؤولان باید طوری حرکت و عمل کنند که این اعتماد ارزشمند را در دلهای مردم حفظ کنند؛ این اعتماد خیلی ارزش دارد. ایستادگی مردم، برای يك نظام و يك کشور، همه چیز است. با چنین پشتوانه و قدرت مردمی عظیم است که کشور و ملت می تواند در مقابل هر قدرت و هر متجاوزی - در هر حدی که باشد - ایستادگی و متجاوز را از تجاوز پشیمان کند.

ما روی منافع کشور و ملتمان با هیچ کس در دنیا معامله نمی کنیم. دشمنان این کشور و این ملت برای این که برای دشمنی خودشان توجیه بتراشند، می گویند نظام جمهوری اسلامی منافع ما را به خطر انداخته است. امریکایی ها می گویند جمهوری اسلامی منافع ما را به خطر انداخته. ما ملت ایران در چهاردیواری کشور خودمان، هر دستی که به سمت منافع ما - چه منافع علمی، چه منافع طبیعی، چه منافع انسانی، چه منافع فناوری - به تجاوز دراز شود، بی درنگ آن را قطع خواهیم کرد. ما در چهاردیواری کشورمان اجازه نمی دهیم منافع هیچ قدرتی بر منافع ملی ما ترجیح پیدا کند و مقدم شود. و اما اگر دشمن، پُرویی و تعرض و تجاوز کند، آن وقت دیگر تعرض ما به چهاردیواری کشورمان محدود نخواهد شد. اگر کسی به ملت ما تعرض و تجاوز کند، ما منافع او را در هر نقطه یی از دنیا که باشد، به خطر می اندازیم.



و به شما مردم عزیز و به همه ی ملت ایران عرض می کنم که بدانید شما می توانید ؛ هم در عرصه ی دفاع، هم در عرصه ی ایستادگی، هم در عرصه ی سازندگی. ملت ما نشان داده است که تواناست.

به خدای متعال توجه کنید ؛ از خدا کمک بطلبید ؛ راه صلاح و فلاح را، بخصوص جوانان ما، با محبت به خدای متعال طی کنند. من بارها گفته ام به یکدیگر رحم کنید تا خدای متعال هم به شما رحم کند. رابطه ی خود را با خدای متعال مستحکم نگاه داریم تا تفضل و کمک و توفیق و هدایت الهی شامل حال همه ی ما بشود.

ملت ما نشان داده است که در این راه، خوب حرکت می کند و خوب پیش می رود و خوب تصمیم می گیرد و به همین دلیل است که ان شاءالله آینده، روشن و افق، بسیار باز و درخشان است.

من يك بار دیگر از همه ی برادران و خواهران عزیزی که در این جا تشریف دارند و برادران و خواهران عزیزی که در خیابانها اجتماع کرده اند و کسانی که از شهرستانهای دیگر آمده اند، صمیمانه تشکر می کنم و از خدای متعال می خواهم که روح مقدس شهدای گرانقدر ما، بزرگان ما، شخصیتهای برجسته ی این استان و همچنین خانواده های عزیز شهیدان و ایثارگران و جانبازان و آزادگان و آحاد مردم و جوانان عزیز را مشمول رحمت و لطف خود قرار دهد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته